

## عناصر فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی و تعاریف آن

۱. **عنوان اصلی نسخه**  
عنوان اصلی یا نام کتاب، عنوانی است که مؤلف آن را بر اثر اطلاق کرده باشد.
۲. **عنوان مشهور یا دیگر**  
سوی از عنوان اصلی بوده و همان‌گونه که از نامش پیداست، عنوانی است که اثر به آن نام نیز شهرت دارد.
۳. **موضوع نسخه**  
موضوعاتی که نسخه درباره آن‌ها بحث می‌کند در این قسمت قرار می‌گیرد و برای موضوعات باید سعی کرد اصطلاح مرسوم و متناسب قدیمی را درباره اثر به‌کاربرد. به‌هیچ‌وجه متناسب نیست که آثار قدیمی با اصطلاحات جدید شناسانده شود. مثلاً در مورد کتب مربوط به جغرافیا اصطلاح مسالک و ممالک را باید به‌کاربرد.
۴. **شرح کلی کتاب**  
بیان چکیده و مختصری از محتوای نسخه. به‌عنوان نمونه: نسخه‌ای با عنوان نسب‌نامه: (موضوع نسخه: تاریخ) (شرح کلی کتاب: شرح حال تبار و خاندان شاهان صفوی در ایران است).
۵. **استناد کتاب شناختی**  
ارجاعات و راهنمایی به سایر منابع که اطلاعات نسخه در آن‌ها نیز ذکر شده برای به‌دست آوردن اطلاعات بیشتر.
۶. **مؤلف**  
پدید آورنده یا مؤلف فردی است که نسخه را تألیف کرده باشد. معرفی تفصیلی

مؤلف شامل اطلاعات لازم و مفید درباره: لقب، نام و احیاناً نام پدر و اجداد، شهرت، تاریخ تولد و وفات و...

#### ۷. مترجم

شخصی که کتاب را به زبان فارسی ترجمه کرده باشد.

#### ۸. شارح

شخصی که کتاب را شرح داده باشد.

#### ۹. محشی

نام فردی است که حاشیه‌نویسی نسخه را انجام داده است.

#### ۱۰. حاشیه نسخه

حاشیه در اصطلاح نسخه‌شناسان عبارت است از: مطالب وابسته به عبارات متن کتاب، مندرج در قسمت‌های کناره‌های سه‌گانه صفحات نسخه به طوری که تمام زمینه کناره‌ها را شامل نگردد. لذا برخلاف تصور برخی با هامش فرق آشکار دارد زیرا که هامش عبارت است از: نگارش رساله یا کتاب مستقل در تمام زمینه کناره‌های کتاب خطی به گونه‌ای که دنباله مطالب هر صفحه در هامش صفحه دیگر آمده باشد. فهرست‌نگاران در ذکر اطلاعات نسخه به چندین نکته اشاره می‌نمایند:

۱. ذکر نوع و اقسام حواشی مختصر یا مفصل اعم از توصیفی، تشریحی، لغوی، تفسیری، ادبی و... ۲. بیان مقدار حواشی: اکثر اوراق، بعضی اوراق و... ۳. زمان نگارش و کتابت حواشی.

#### ۱۱. نوع نسخه

**بیاض:** نسخه یا نسخه‌هایی که از طرف عرض باز می‌شود و از حیث مطالب نیز مجموعه‌وار است. بدین معنی که در اشعار و ادعیه و نوشته‌های پراکنده و متفرقه ضبط شده باشد

**جُنگ:** مجموعه‌ای است از آثار پراکنده و متفرق و معمولاً بی‌ارتباط باهم که بعضی مفصل و احیاناً مختصر است. جُنگ در لغت به معنی کشتی و به همین ملاحظه است

که سفینه هم در تسمیه بعضی از کتب به کار رفته است، مانند سفینه سلیمانی. سفینه هم به جای جنگ استعمال شده است.

**مجموعه:** یعنی چند اثر در یک نسخه تحریر شده باشد به گونه‌ای که آثار با هم ارتباط موضوعی داشته باشند. مثل آن که دیوان حافظ و دیوان سلمان و رساله‌ای به‌نثر در یک نسخه جمع شده باشد. ممکن است که سراسر مجموعه به‌خط یک شخص باشد و ممکن است به چند خط مختلف باشد. ممکن است که در مجموعه چند اثر که به کلی در زمان‌های مختلف کتابت شده است بر اثر هم اندازه بودن در یک مجلد صحافی شده باشد.

**مسوده (سواد):** مجموعه یادداشت‌های یک نویسنده است که جنبه چرکنویس دارد.

**معمولی:** نسخه معمولی آن است که یک کتاب در یک نسخه باشد، مثل قرآن یا گلستان سعدی یا دیوان حافظ یا کلیله و دمنه که در یک مجلد (بین‌الدفعتین) کتابت شده باشد.

#### ۱۲. تقسیمات نسخه

کلیات تقسیم‌بندی مندرجات تألیف طبق نظر مؤلف با ذکر عنوان هر مبحث نقل می‌شود به‌بیانی فهرست مندرجات، ابواب و فصول و خاتمه ارائه می‌گردد.

#### ۱۳. تاریخ تألیف

سالی است که نسخه تألیف شده است (هجری قمری و شمسی).

#### ۱۴. محل تألیف

شهری که نسخه در آن جا تألیف شده باشد.

#### ۱۵. مهدی الیه

کسی که کتاب به‌نام او تألیف و به‌او هدیه شده است.

#### ۱۶. افتادگی و نقص‌های نسخه

از جمله می‌توان به‌موارد زیر اشاره داشت که:

- \* کامل است.
- \* از اوّل ناقص است.
- \* از آخر ناقص است.
- \* اوراق میانی ناقص است و...

#### ۱۷. آفات و آسیب‌ها

وضعیت فیزیکی نسخه شامل: پوسیدگی، موش‌خوردگی، پارگی، رطوبت، کپک‌زدگی، ساییدگی، موربانه‌زدگی، اسیدی، شکنندگی، و... را شامل می‌شود.

#### ۱۸. آغاز

چند سطر آغاز متن نسخه را شامل می‌شود.

#### ۱۹. انجام

چند سطر آغاز متن نسخه را شامل می‌شود.

#### ۲۰. نوع خطّ متن

از مهم‌ترین نکات کهنسال نسخه‌شناسی که از قدیم‌الایام مورد توجه کتاب‌شناسان قرار داشته، نوع خطّ دست نوشته‌ها و مخطوطات بوده است که بنابر همین اهمیت، مورد مذاقّه فهرست‌نگاران معاصر قرار گرفته و سرلوحه مباحث نسخه‌شناسی کتب خطّی است.

انواع خطوط اصلی موجود در آثار و کتب خطّی رایج در ممالک اسلامی براساس تاریخ مدوّن خط و خطاطی در تمدّن اسلامی عبارتند از: کوفی، نسخ، ثلث، محقق، ریحان، رقاع، توقیع، تعلیق، شکسته تعلیق، نستعلیق، شکسته نستعلیق و سیاق. کوفی: نخستین خطّی که در تمدّن اسلامی، در میان نسخه‌نویسان رایج شد، خطّ کوفی است که در نخستین دوره نسخه‌نویسی در تمدّن اسلامی در کتابت مُصَحَّف و دیگر نگارش‌های عربی به‌کار می‌رفت، به‌صورتی که هیچ‌گونه اعجام و اعرابی نداشت.

**کوفی کهن:** قلم کوفی دوره نخست را که عاری از اعجام و اعراب است در عرف نسخه‌شناسان کوفی کهن می‌نامند.

**کوفی متحوّل:** به‌مرور ایّام در نگارش آیات قرآن از مرگب سیاه و نیز اعجام و اعراب با رنگ‌های مختلف گیاهی و غیره مانند: شنگرف، زعفران، سیلو و زنگار مشخص می‌کردند که این شیوه را نسخه‌شناسان کوفی متحوّل می‌خوانند.

**کوفی شرقی:** باریک‌تر از خط کوفی کتابت می‌شده و در باریکی به‌خط ریحان نزدیک است.

**کوفی ترکستان:** این شیوه به‌خطّ نسخ نزدیک‌تر است و یک خصیصه آشکار آن شباهت هیأت عمودی حروف است به‌میخ، گویا که از خط میخی متأثر شده است.

**نسخ:** بی‌شک شایع‌ترین خطّ در نسخه‌نویسی که به‌تدریج از قرن ۴ هجری مورد توجه بیشتر قرار گرفت، خطّ نسخ بوده است. این خطّ به‌جهت سهولت در نوشتن، مقبولیت زیادی یافت و ناسخ سایر خطوط گردید. (از همین‌رو به‌خطّ نسخ شهرت یافته است). دو شیوه در کتابت خطّ نسخ معمول بوده است.

**شیوه کهن:** که تا اوایل نیمه دوم از سده هشتم هجری معمول بود. خطّ کوفی در این شیوه از زیبایی‌های چندانی برخوردار نبود و در مواردی کلمات و حروف مشکول ضبط شده‌اند.

**نسخ جدید:** از نیمه دوم سده هشتم هجری آغاز شد که برخلاف شیوه اوّل، دور حروف بیشتر، قلم نسخ منسجم‌تر و زیباتر شده و کاتب جنبه زیباشناسی را بیشتر مدنظر قرار داده است.

**تعلیق:** کاتبان و منشیان برای جلوگیری از تصرف و تغییر و تبدیل در اسنادی همچون احکام، فرامین، ترسّلات و منشآت که شامل نکاتی از جمله رموز و اسرار دیوانی و حکومتی بود از خطّ تعلیق استفاده می‌کردند. در این خطّ حروف آن در سرتاسر هر سطر پیوسته به‌هم کتابت می‌شد.

**نستعلیق:** به‌تدریج از نیمه اوّل قرن هشتم هجری به‌علت گرایش نسخه‌نویسان در تندنویسی و به‌جهت سرعت بیشتر در نگارش مکاتب و مراسلات، خطّ نستعلیق (که ترکیب خطّ تعلیق با خط نسخ بود) ظهور نمود که منحصر به‌کتابت

نگاشته‌های فارسی نماند و کتاب‌های عربی همانند نهج البلاغه و صحیفه سجّادیه و غیره نیز بعضاً با خطّ زیبای نستعلیق به نگارش درآمد.

کاتبان ایرانی ساکن در ممالک دیگر به شیوه نستعلیق ایرانی می‌نوشتند، اما بعد از رحلت آن‌ها، کاتبان محلی شیوه خاص خود را با الهام از نستعلیق ایران به نمایش می‌گذارند و به همین جهت برای معرفی نسخه‌هایی که در ممالک غیر ایران به خطّ نستعلیق نوشته شده (همانند خطّ نسخ) انتساب خطّ به جغرافیای محلّ کتابت بیان می‌شود. مانند: نستعلیق هندی، نستعلیق ماوراءالنهری، نستعلیق ترک و...

**شکسته نستعلیق:** گرایش کاتبان به خطوطی که دوز آن‌ها بیشتر است، به جهت تندنویسی و اصل کم کوشیدن در کتابت سبب شد که کاتبان حروف را در خطّ نستعلیق بشکنند و خطّی در کتابت به وجود آوردند که در میان خط‌شناسان و نسخه‌شناسان به شکسته نستعلیق یا شکسته شهرت یافت. خطّ مذکور از سده یازدهم برای نگارش آثار ادبی، کتابت جُنگ‌ها، بیاض‌های ادبی و مکاتیب به کار می‌رفت.

**سیاق:** بعدها در دوره‌های متأخر، برای محاسبات دیوانی، اسناد و دفاتر داخل و خرج، شیوه دیگری مورد استفاده قرار گرفت که به خط سیاق (= سیاق) معروف شد. کاتبان این خط برای اعداد و کلمات اختصاری وضع می‌کردند که خواندن آن برای بسیاری آسان نبود.

**خطوط دیگر:** علاوه بر این‌ها، خطوط دیگر که برخی جنبه تفنّنی داشت در کتابت اسناد و استنساخ نامه‌ها، مرقعات و کتب ادعیه به کار می‌رفت مانند: رُقعه، غبار، طغرا، سیاه مشق، معما و مثنی و...

## ۲۱. کیفیت خط

خط‌شناسان برای نشان دادن کیفیت خط، مراتبی قائل شده‌اند که خوبی و بدی خطوط را با واژگانی همانند: ممتاز، عالی، خوش، خوانا، ناخوانا ذکر می‌نمودند: **ممتاز:** صفت خطّی است که در نهایت زیبایی باشد و مطابق با قواعد و اصول خوشنویسان تحریر شده باشد.

**عالی:** صفت خطی است زیبا که به‌مراتبه‌ای از خط ممتاز پایین‌تر کتاب شده است.  
**خوش:** خطی صفت «خوش» را دارد که زیبا باشد، هرچند خطاط گاهی در بافت خط از قواعد و اصول خوشنویسی دور شده باشد.  
**خوانا:** صفت خطی است که به‌آسانی خوانده شود، هرچند که زیبا ننماید.  
**ناخوانا:** خطی که به‌سهولت خوانده نشود.

## ۲۲. نوع خط حاشیه

رجوع کنید به‌بند شماره ۲۰.

## ۲۳. تعداد سطور (در هر صفحه)

در کتبی که تعداد سطور بین چند عدد محدود متغیر باشد، تعداد آن‌ها ذکر می‌شود (مثلاً: نوشته می‌شود ۱۶، ۱۷، ۱۹ سطری). اما اگر چنانچه سطور به‌طورکلی مختلف بود از واژه «مختلف‌السطر» استفاده می‌نماییم.

## ۲۴. نام کاتب

کاتب فردی به‌جز مؤلف است که اثر را به‌رشته تحریر درآورده است.

## ۲۵. محل کتابت

شهری است که کتابت نسخه انجام گرفته باشد و با محل تألیف متفاوت است.

## ۲۶. تاریخ کتابت

زمانی (هجری قمری و شمسی) به‌جز زمان تألیف است و ممکن است نسخه‌ای پس از تألیف مجدداً توسط فردی به‌رشته تحریر درآمده باشد.

## ۲۷. ارزش کتابت

از جمله می‌توان به‌موارد زیر اشاره داشت:

۱. مغلوط.

۲. کم غلط.

۳. بدون غلط و...

۲۸. کاتب نونویس، محلّ و تاریخ نونویسی.

### ۲۹. مشخصات کاغذ

تعیین نوع کاغذ نسخه‌های خطّی از دیگر مشخصه‌های نسخه‌شناسی است که در طول تاریخ همواره مورد توجه بوده است. انواع کاغذهایی که بیشتر در نسخه‌نویسی معمول بوده و شناخت آن‌ها به لحاظ نسخه‌شناسی مفید فایده است عبارتند از:

**کاغذ سمرقندی:** برای نخستین بار در نیمه نخست از سده دوم هجری، نوعی کاغذ توسط اسیران چینی در سمرقند عرضه می‌شود که در اندک زمان در مراکز علمی-سیاسی جهان اسلام به نام کاغذ سمرقندی شهرت می‌یابد. از مشخصه‌های این کاغذ می‌توان به ضخیم بودن و صاف بودن آن به طوری که دانه‌ای بر روی صفحه‌های آن دیده نمی‌شد، اشاره کرد.

**کاغذ خراسانی:** کاغذهایی که در خراسان تولید می‌شده و از انواع آن می‌توان به کاغذ سلیمانی، نوحی، فرعونی، طلحی، جعفری و طاهری اشاره داشت که اسامی آن‌ها نشان می‌دهد که برخی به روزگار بنی‌امیه و بنی‌عبّاس و برخی دیگر همچون فرعونی به عصر ابن‌سینا و یا سلیمانی به روزگار هارون‌الرّشید والی خراسان می‌باشد. **کاغذ خانبالغ:** نوعی از کاغذ را می‌گویند که در میان کاتبان مرسوم بوده و در خانبالغ (پکن، چین) به حاصل آمده است. این کاغذ در ایران و دیگر کشورهای اسلامی به غرض کتابت مُصحّف و نگارش‌های عربی و فارسی به کار گرفته می‌شده و کاغذی بوده مستحکم، ضخیم، و رنگ حنایی در آن نسخه‌نویسی بیشتر به کار برده می‌شده است.

**کاغذ ختایی:** کاغذی بوده است ضخیم و درخشان که در نواحی ختا عمل می‌آمده. (بنگرید به کاغذ خانبالغ)

**کاغذ پوستی:** در ادوار نسخه‌نویسی، برای کتابت مُصحّف (قرآن)، و گاهی فراهم آوردن و کتابت بیاض‌های هنری از پوست حیوانات استفاده می‌کرده‌اند، به طوری که آن را نازک می‌ساخته‌اند به مانند طبق کاغذ، و سپس بر آن مهره می‌زده‌اند و صاف و ملایم می‌کرده‌اند که حالت شکنندگی نداشته باشد. کاغذ پوستی را بیشتر



از پوست آهو - خاصه پوست دل آهو - به‌عمل می‌آورده‌اند. نسخه‌هایی از قرآن و بیاض‌های هنری - که کاغذ آن‌ها از پوست آهو به‌حاصل آمده - در کتابخانه‌های جهان موجود است.

**کاغذ شامی:** نوعی از کاغذ بوده که در شام ساخته می‌شده است که سفیدی، شفافیت و ملایمی از ویژگی‌های آن است.

**کاغذ دفتری:** کاغذی نامرغوب و کم بها که به‌جهت کتابت دفترهای حساب و کتابچه‌های سیاق و سواد کتاب‌ها به‌کار می‌برده‌اند.

**کاغذ کاهی:** نوعی دیگری از کاغذ نامرغوب و کم بها بوده که کاتبان، دفترهای حساب و گاه تمام کتاب‌ها و رساله‌ها را بر آن می‌نوشته‌اند. این کاغذ از جنس کاه به‌عمل می‌آمده که دانه‌دار ناهموار بوده است.

**کاغذ کشمیری:** از سده نهم که شبه‌قاره هندوستان به‌عنوان مرکزی از مراکز فرهنگی در شرق جهان اسلام شناخته شد، در میان کاتبان، نوعی دیگر از کاغذ رواج یافت که در کشمیر به‌عمل می‌آمد. این کاغذ که بیشتر رنگ‌های سفید و نخودی آن به‌جهت نسخه‌نویسی به‌کار رفته، بسیار نازک و عموماً آهار مهره خورده است. هزاران نسخه خطی از نگاشته‌های فارسی که در شبه‌قاره هندوستان کتابت شده است؛ بر روی این کاغذ نسخه‌نویسی گردیده است.

**کاغذ بُتی:** از سده ۱۱ به‌بعد در ایران و شبه‌قاره هند کاغذسازی رونق خود را از دست داد و نوعی کاغذ که توسط اروپاییان به‌هندوستان رسیده بود، بزودی جای کاغذ کشمیری (= هندی) را گرفت. در درون نوعی از کاغذهای مزبور نقوشی وجود داشت گویا پیکرنا و به‌همین جهت کاتبان شبه‌قاره هند آن را کاغذ بُتی می‌خوانده‌اند. از ویژگی‌های کاغذهای فرنگی آن است که چون آن را در معرض نور قرار دهیم، نقوش و خطوطی مرئی می‌شود که در درون کاغذ با ماشین تعبیه شده است.

**کاغذ ابری (درهمی):** برای ساختن این کاغذ ظروفی را از مایع نشاسته پر می‌کرده‌اند و بر روی مایع مذکور رنگ‌های مورد نظر را می‌ریختند و کاغذ را بر

روی آن می‌گذارند تا آن‌گاه که اشکال موجود در مایع که ماندگی به‌ابر داشت بر روی کاغذ منعکس گردد.

کاغذ ابری بر دو قسم بوده است: ابری آبی و ابری آهاری. در قسمت دوم، پس از عمل مذکور، کاغذ را مهره می‌زدند و براق می‌ساختند. این نوع کاغذ از سده نهم در میان کاتبان رواج بیشتری یافت، و بیشتر در کتابت قطعه‌های خط و رساله‌های کوتاه از آن استفاده می‌شد.

**کاغذ الوان:** کاغذی است از انواع کاغذهای ابری که توسط کاغذسازان با الوان و رنگ‌های مختلف رنگین می‌شده است. کاغذیان در رنگ دادن کاغذها با رنگ‌های زرد، سرخ، آل، کبود زنگاری و گاهی استفاده می‌کرده‌اند که در اصطلاح به‌این کاغذها «الوان مفرده» می‌گفته‌اند، و یا از رنگ‌های عودی، سبز گلگون و نارنجی بهره می‌برده‌اند که این دسته را الوان مرکب می‌نامیده‌اند.

از انواع دیگر: می‌توان به دولت‌آبادی، مأمونی (منسوب به مأمون خلیفه)، مرادآبادی، خونجی، بغدادی، عادلشاهی و غیره اشاره نمود:

- **تعداد اوراق:** ذکر تعداد اوراق نسخه است.

- **اندازه اوراق:** اندازه طول در اندازه عرض اوراق نسخه است. اندازه قطع کتاب در تمدن اسلامی بسیار متنوع بوده است، ولی مهم‌ترین و معمول‌ترین اندازه‌های قطع کتاب‌ها عبارتند از:

**قطع سلطانی (تیموری):** اندازه‌ای از قطع کتاب است که در اواخر عصر مغولان و اوایل عهد تیموریان برای کتاب‌های خطی در ایران رواج یافت که به‌این جهت آن را قطع تیموری نیز می‌گویند. طول و عرض تقریبی آن  $40 \times 30$  سانتی‌متر است.

**قطع رحلی:** این قطع را به‌این جهت رحلی می‌گویند که هنگام خواندن کتاب قطع رحلی، آن را بر روی چهارپایه چوبی - یعنی رحل - قرار می‌داده‌اند. قطع مزبور دارای اندازه‌های تقریبی زیر است.

\* رحلی کوچک: طول ۴۲، عرض ۲۷ سانتی‌متر.

\* رحلی متوسط: طول ۵۰، عرض ۳۰ سانتی‌متر.

\* رحلی بزرگ: طول ۶۰، عرض ۳۰ سانتی‌متر. عموماً نسخه‌های کتاب‌هایی چون قرآن مجید، مثنوی مولوی، شاهنامه فردوسی که در مجالس و محافل قرائت و خوانده می‌شده، با این قطع بوده است.

**قطع رقیعی:** اندازه قطعی است به طول و عرض تقریبی ۱۹×۱۰ سانتی‌متر.

**قطع وزیری:** این قطع در گذشته دارای سه اندازه کوچک (به طول و عرض تقریبی ۲۱×۱۵)، (متوسط ۲۴×۱۶) و (بزرگ ۳۰×۲۰) بوده است.

**قطع خشتی:** از کهن‌ترین قطع‌های نسخه‌های خطی است به طول و عرض همسان و برابر.

**قطع بیاضی:** نسخه‌ای است که از جانب طول آن باز و بسته می‌شده و شیرازه‌بندی آن از طرف عرض اوراق بوده که در میان نسخه‌نویسان و کتاب‌سازان به بیاض شهرت داشته است، قطع بیاضی منسوب است و مخصوص به بیاض‌ها که بیشتر کتب ادعیه، زیارات و مجموعه‌های ادبی (که به‌غرض اشخاص فراهم می‌آمده) به هیأت مذکور صحافی و جلد می‌شده است.

**قطع بغلی:** این قطع که معادل قطع جیبی بزرگ در روزگار ماست. دارای طول و عرض تقریبی ۷×۵ سانتی‌متر بوده است.

**قطع جانمازی:** با اندازه تقریبی طول ۱۲ و عرض ۷.

**قطع حمایلی:** قطعی بوده است به طول و عرض ۱۲×۶ سانتی‌متر. وجه تسمیه این قطع به حمایلی، این است که نسخه‌هایی را که در قطع مزبور بوده است به‌صورت حمایل روی لباس زیرین می‌آویخته‌اند.

**تزیینات نسخه:** شناخت آرایش‌های نسخه و تصاویر آن‌ها در توصیف نسخه‌ها و حتی گاهی در شناخت تاریخی آن‌ها مورد توجه بوده است و معرف غنای فرهنگ و تمدن اسلامی می‌باشد.

برخی از اصطلاحات تزیینات نسخه خطی:

**شمسه:** شکلی است مدور، مذهب و مرصع و مشابه تصویر خورشید که شعاع‌هایی از اطراف آن خارج شده و غالباً کتاب آرایان پس از صفحه بدرقه ابتدای کتاب در

ظهر صفحهٔ اوّل ترسیم می‌کردند و در وسط آن نام مالک کتاب و یا نام کتاب و مؤلف آن را بیشتر به خط رقاع و به قلم رنگین یا زر یا سفیداب محرّر ذکر می‌کردند. **سرلوح:** بسیاری از نسخه‌های خطّی که از اوایل سدهٔ هشتم به بعد فراهم آمده‌اند، در صفحه آغاز دارای شکلی هندسی‌اند که شباهت به محراب و ایوان دارد و مزین است به خطوط هندسی و یا گل و برگ، به زر و الوان دیگر. این شکل منقّش را سرلوح می‌نامند. گاه در زیر سرلوح شکلی هندسی کشیده شده است، مانند مستطیل (که اصطلاحاً به آن کتیبه می‌گویند) در داخل کتیبه یا (بسم الله الرحمن الرحیم) را نوشته‌اند و یا نام کتاب و مؤلف را. در صورتی که کتیبه و سرلوح باهم باشند آن را «سرلوح مزدوج» می‌نامند.

**سرفصل:** سرفصل یا سرسخن یا سرعنوان، تزئیناتی است که در اطراف عنوان کتاب‌های نظم و نثر به‌گونه مشعّر و مذهب و مرصّع ترسیم می‌شود. **کتیبه:** در نسخه‌آرایی، به شکلی گفته می‌شود مستطیل‌گونه که گاه در دو طرف آن نیم دایره‌ها و ربع دایره‌های کوچک کشیده شده باشد. از این شکل، مذهبان در سروسوره‌ها برای نسخه‌های قرآنی و سرفصل‌ها (برای نسخه‌های دیوان‌های شعر و دیگر نگارش‌ها) استفاده کرده، و جلدسازان نیز در چهار طرف حواشی جلد نزدیک به لبه‌ها بهره برده‌اند. شکل کتیبه گاه همانند مستطیلی است که مذهب و مرصّع شده باشد و گاه چونان مستطیلی است که دو طرف آن (یعنی اطراف اضلاع کم عرض آن) به صورت مدور و نیم دایره باشد. شکل آخر را «کتیبهٔ قلمدانی» می‌گویند.

**طلا اندازی بین سطور:** گاه نسخه‌آرایان به غرض زیبا آفرینی، وسط سطور را با زر پُر می‌کنند. به طوری که تمامی خالیگاه‌های بین سطور را با زمینه زرین می‌پوشانند و کنارهٔ زمینه مذکور را با تحریر مشکی محصور می‌کنند. این هیأت را در عرف نسخه‌آرایی، طلا اندازی بین سطور می‌نامند. در صورتی که زمینه زرین و به تبع آن خط تحریر دارای فرورفتگی‌ها و برجستگی‌های نزدیک به هم شبیه به خوردگی موش باشد، از آن به «طلا اندازی دندان موشی یا مضرّس» اطلاق می‌کنند که در دورهٔ صفوی بیشتر شایع بوده و اگر روی همان زمینه طلا، نقوشی الوان نیز به کار رفته باشد «طلا اندازی منقّش» می‌گویند.

**زرافشان:** نسخه‌آرایان از روزگار تیموریان به‌لحاظ زیباسازی متن و گاه حواشی، اوراق نسخه را با زر و نقره افشان می‌کردند. به‌طوری که زر و یا نقره را حل می‌کردند و سپس با دقت خورده طلای محلول را از طریق آلاتی که دارای سوراخ‌های بسیار کوچک بوده است به‌روی صفحات نسخه می‌افشانند، این عمل عموماً پیش از نوشتن نسخه انجام می‌شده است. اگر خرده‌های زر یا نقره بسیار ریز بر روی کاغذ افشاند می‌شده است، آن را «افشان غبار» می‌گفته‌اند و اگر خرده‌های مذکور درشت‌تر افشاند می‌شده است، آن را «افشانه سرموری» می‌خوانده‌اند.

**جدول:** خطوطی است هندسی و مستقیم که چهار جانب متن کتاب را محصور کند. در نسخه‌هایی که از سده هفتم و هشتم هجری به‌ما رسیده، جدول بسیاری از آن‌ها ساده است و با یک خط مرکب و مشکی کشیده شده است. اما در سده هشتم و پس از آن، جدول جنبه تزئینی یافت و از آب طلا و رنگ‌های الوان (مانند لاجورد، شنگرف، سیلو و زنگار) برای کشیدن آن‌ها استفاده شد، به‌طوری که جدول را با چند خط (دو خط به‌زر و یا دو سه خط به‌الوان) می‌کشیدند و سپس دو جانب خطوط جدول را با خطی بسیار باریک - که اصطلاحاً به آن «تحریر» می‌گویند - محصور کرده و این را «جدول مثنی» می‌نامیده‌اند.

**کمند:** خطوطی مستقیم را گویند که جز جانب عطف کتاب، از سه جانب دیگر، جدول را محصور کند. کمند نیز چونان جدول، گاه ساده بوده و با یک خط مشکی یا الوان کشیده می‌شده و گاه مرکب بوده و با زر و مشکی و دیگر الوان ترسیم می‌شده است. در نسخه‌های موجود از دوره‌های اوّل و دوم نسخه‌نویسی، کمند به‌ندرت دیده می‌شود، درحالی‌که بیشتر نسخه‌های ادوار سوم و چهارم نسخه‌نویسی (خاصه نسخه نگارش‌های ادبی فارسی) دارای کمندند.

**تحریر:** برای نمایش بهتر جدول، کمند و نقوش، خطوط بسیار باریک که به‌سیاهی، زرد یا دیگر الوان مانند شنگرف و سفیداب در دو طرف خطوط جدول و یا در اطراف کلمات و عبارات کشیده می‌شود. نقوش و کلماتی را که با خط تحریر محدود شده باشند، «محرر» می‌گویند.

**ترنج:** در اصطلاح نسخه‌آرایی شکلی را گویند بیضی، که وسط آن را با نقوش اسلیمی با بُترمه یا تصویر نبات و حیوان و یا با خطوط رفاع، نسخ و نستعلیق می‌آریند. ترنج را اغلب در وسط دو طبله جلد می‌کشند و گاهی نیز ظهر ورق اوّل نسخه را با این شکل می‌آریند و عموماً داخل و اطراف آن، عنوان و خلاصه مطالب کتاب به زر یا سفیداب نوشته می‌شود.

**سرترنج:** در عرف نسخه‌آرایان به شکلی گفته می‌شود لوزی مانند و کنگره‌دار، که در قسمت بالا و پایین ترنج و متصل به آن کشیده می‌شود. گاهی وسط سر ترنج را با نقوشی گونه‌گون می‌آریند و گاهی نام صحاف را (اگر بر روی جلد باشد) و نام کتاب را (اگر بر ظهر ورق اوّل نسخه باشد) در داخل آن می‌نویسند.

**لچکی:** در اصطلاح نسخه‌آرایی، شکلی را گویند سه گوشه که جلدسازان از تیماج یا پارچه می‌بریده‌اند و نزدیک به لبه، در چهار گوشه جلد های ضربی و سوخت تعبیه می‌کرده‌اند و مذهب‌ان در چهار گوشه جلد های روغنی و یا در چهار گوشه دو صفحه آغازین، میانین و آخرین نسخه‌ای (که به هیأت متناظر تذهیب و ترصیع می‌شد) ترسیم می‌کرده‌اند.

**تذهیب:** نقوش منظم هندسی و با قرینه را گویند که مذهب در کشیدن آن‌ها فقط از سیاهی و آب طلا در زمینه لاجورد استفاده کرده و هیچ رنگ دیگری به کار نگرفته باشد.

**ترصیع (مرصع):** نقوش منظم هندسی که مذهب در کشیدن آن‌ها به غیر از آب طلا، از رنگ‌های دیگری از قبیل: لاجورد، شنگرف، زعفران، سفیداب، زنگار، سیلو و... در زمینه زرپوش آن استفاده کرده باشد را ترصیع یا مرصع می‌نامند.

**تشعیر:** نقوش درهم و نازکی است شامل خطوط اسلیمی، ختایی، گرفت و گیر و شکارگاه با آب طلا و گاه با رنگ‌های دیگر اما با قلم‌گیری زرین که با اندکی دقت، ترتیب منظم آن قابل تشخیص می‌باشد. وجه تسمیه تشعیر از دو جهت اطلاق شده، یکی به جهت استفاده از موی دم گربه در قلم و دیگری آن که خطوط ترسیمی به نازکی مو است.

**اسلیمی (اسلامی):** به نقوش و گره‌بندی‌هایی گفته می‌شود که حاوی پیچ و خم‌های متعدد به صورت مارپیچ و یا حلزونی با نقوش ماهیچه و چنگ که به شکل بوته جقه نمایانده می‌شود و چونان گیاه پیچان که ساقه، جوانه، برگ و گل و شاخه‌های آن به هم درآمیخته و درهم چنگ زده است، می‌باشد. انواع اسلیمی عبارت است از: ساده، توخالی، گلدار، برگی، پیچکدار، برگی پیچکدار، توخالی پیچکدار، ماری، تزیینی و... که ساقه‌های آن‌ها با طلا و رنگ‌های نارنجی، سبز و دیگر الوان روشن ترسیم می‌شده است.

**مرگب الوان:** در نسخه‌نویسی و نسخه‌آرایی، سوای مرگب مشکی، از الوان دیگر نیز برای کتابت و تزیین نسخ استفاده می‌شده است. مرگب‌های الوان که بیشتر رایج بود به‌قرار زیر است:

**زر:** مراد محلول یا آب طلا است که نسخه‌نویسان برخی از عبارت و عنوان‌ها و کلمات نسخه‌های شاهانه را با آن کتابت می‌کرده‌اند.

**شنگرف:** معربش شنجرف است و آن جسمی است معدنی که از گرد آن که سرخ یا متمایل به قهوه‌ای است محلولش را می‌ساختند و کاتبان عنوان‌ها و سرعنوان‌ها و سرفصل‌ها و آیات و اخبار را با آن کتابت می‌کرده‌اند و مذهبان و نقاشان در کشیدن جدول و کمند و دیگر آرایش‌های نسخ از آن استفاده می‌کردند.

**زنگار:** در عرف نسخه‌آرایان به محلولی گفته می‌شود سبز رنگ که از زنگ مس به‌دست می‌آید.

**سفیداب:** محلولی است سفید که از کربنات سرب حاصل می‌آید، و در نسخه‌نویسی و نقاشی به‌کار می‌رفته است.

**سرنج:** محلولی بوده است قرمز رنگ متمایل به نارنجی که از اکسید سرب حاصل آمده و در کتابت سرفصل‌ها، عنوان‌ها، آرایش نسخه‌ها و نقاشی به‌کار می‌رفته است. **لاجورد:** در عرف نسخه‌آرایان به محلولی گفته می‌شد که از مخلوط گرد لاجورد و سرکه و صمغ به‌دست می‌آمد و در نقاشی و گاه در کتابت عنوان‌ها و آیات قرآن به‌کار می‌رفته است.

**سوی الوان مذکور:** در نسخه‌آرایی نگارش‌های فارسی، از رنگ‌های دیگر مانند آل، فریسه، طاووسی، گلگون و غیره نیز استفاده می‌شده و لیکن در این‌جا به‌ذکر الوانی پرداختیم که در کتابت و آراستن نسخ بیشتر به‌کار رفته است.

**تجلید نسخه:** بهترین ملاک تقسیم‌بندی جلد، ماهیت و جنس آن خواهد بود که با اندکی مسامحه به‌هفت نوع اولیه تقسیم می‌شود که برخی از آن‌ها به‌اقسام فرعی‌تر قابل تقسیم می‌باشند:

**جلد چوبی:** از چوب‌های نسبتاً نازکی ساخته می‌شده است و روی آن لاک یا رنگ و روغن کشیده می‌شده. این نوع جلدها بیشتر در جلد مصاحف شریفه دیده شده است.

**جلد مقوایی:** شامل جلدهایی که از جنس مقوای ساخته شده باشد و عموماً جلدسازان روکش‌های مختلف مانند: چرم، پارچه، رنگ و روغن جهت دوام بر آن استوار می‌ساختند. گاهی اوقات کتاب‌سازان بُدهای جلد مقوایی را سجاف نازکی از چرم می‌کشیدند که اصطلاحاً به «جلد مغزی» معروف شده است.

**جلد چرمی:** چرم عنوان نسبتاً کلی است برای جلدهایی که از پوست دباغی شده حیوانات ساخته می‌شد و شامل اقسام زیر است:

**تیماج:** پوست بز دباغی شده است.

**میش (میشین):** برخی جلدسازان به‌ندرت از پوست دباغی شده میش (= گوسفند) جلد کتاب می‌ساختند که بسیار نرم و لطیف است.

**ساغری:** جلدهای بسیار بادوام و مستحکم که از چرم دباغی شده کفل چهارپایان به‌خصوص الاغ و استر ساخته می‌شده است و دارای برجستگی‌های دانه مانند نسبتاً درشت می‌باشد که بعضاً بر روی آن کارهای هنری مانند: ضربی، سوخت‌کاری و... انجام می‌دادند. ضمناً به‌دلیل کراهت جنس آن بر روی جلدهای مصاحف شریفه استفاده نمی‌شده است.

**شبرو (شورو):** به‌معنای بزغاله، پوست بزغاله و یا پوست نازک گوساله است که جلدسازان عصر قاجار برای روکش جلد از آن سود برده‌اند.



**پارچه:** بعضی جلدسازان دوره صفوی به بعد برای روکش جلد‌های مقوایی از پارچه‌ای ساده و غیر آن استفاده می‌کردند. در برخی نیز برای استحکام بیشتر عطف و گوشه‌های آن را به وسیله چرم استوار می‌نمودند.

**جلد زری:** روکش آن توسط زری‌بافان و نقش‌بندان ماهر دوره صفوی به بعد از پارچه زری بافته شده باشد.

**جلد مخملی:** جلد‌هایی که از پارچه مخمل برای روکش مقوای استفاده شده باشد و بیشتر از قرن سیزدهم شایع گردیده است.

**جلد ترمه:** برخی جلدسازان عصر زندیه و قاجاریه به بعد برای روکش جلد دیوان‌ها، بیاض‌ها، نسخه‌های ادعیه از ترمه (نوعی نمد ساخته شده در یزد و کشمیر و یا از جنس ابریشم، پشم و نخ) منقش به اشکال بوته جقه یا خطوط پهن حاشیه مانند، استفاده می‌نمودند.

**کاغذ:** برخی کتاب‌سازان دوره قاجار و بعد برای روکش مقوای جلد استفاده می‌نموده‌اند که طبعاً به دلیل سستی کاغذ، عطف را خصوصاً با پارچه محکم می‌ساختند.

**فرنگی:** در دوره متأخر، همگام با اختراع صنعت چاپ، جلدسازان برای روکش مقوای بعضی جلد‌های نسخه‌های خطی از گالینگور و مشع استفاده می‌نمودند.

**هنری:** جلد‌های هنری که نتیجه نبوغ، ابداع و نوآوری جلدسازان بلاد اسلامی است، شامل جلد‌هایی است که به نحوی از انحاء دارای ظرافت‌های هنری ویژه‌ای هم باشند. اهم آن‌ها بر حسب ظهور و رواج در تمدن اسلامی عبارتند از:

**ضربی:** جلد‌های ضربی یا کوبیده یا منگنه، از جمله جلد‌های بسیار معمول برای کتاب‌های فارسی است. طرز ساختن این جلد به این گونه است که جلدساز نخست دو قطعه فلز برنجی (که اصطلاحاً یک جفت نر و ماده نامیده می‌شود) فراهم می‌آورد و نقوش مورد نظرش را با الوان توسط قلم‌مو بر قطعه‌های برنجی مذکور می‌کشد و بوم فلز را از قسمت‌های منقوش جدا می‌کند. سپس فلز نقش‌دار را به قدر نیاز داغ می‌کند و با ضرب و چکش، آن را بر روی چرم (که روکش جلد است) می‌کوبد، به طوری که نقوش آن دو قطعه فلز، بر اثر ضرب بر روی چرم،

فرو رفتگی و برجستگی به وجود می‌آورد. پس از آن مواضع فرو رفته را با ورقه‌های طلا یا سیم و یا چرمی غیر از نوع چرم زمینه پر می‌کند، و نقوش برجسته را گاه با همان رنگ اصلی می‌گذاشتند و گاه با الوانی دیگر می‌آراستند.

**سوخت:** در ساخت جلد سوخت، نخست روی چرم که حالت استخوانی گرفته و به رنگ تیره و سوخته درآمده، نقش‌های دلخواه مانند: مینیاتور، تذهیب، تشعیر و... را به اشکال ترنج، سرترنج، لچکی و غیره طراحی نموده و سپس این نقوش را به وسیله «نقش بر» جدا می‌ساختند و بر روی چرم جلد که بعضاً با لایه چینی زمینه‌سازی شده، چسبانده و با ضربه داغ شده بر روی آن‌ها می‌کوبیدند.

**معرق:** در لغت، هر چیز رگه‌دار را گویند، و در اصطلاح کتاب‌سازان و مجلدان به جلدی گفته می‌شود که از قرار گرفتن رگ‌های چند نوع چرم در کنار هم دیگر به دست می‌آید. به این قرار که نخست مذهب طرح مورد نظرش را بر روی چرم طراحی می‌کند، سپس جلدباز با آلت نقش بر، بوم چرم را از نقش‌های طراحی شده، جدا می‌کند. بعد از آن نقش‌های مزبور را در محل‌های مناسب جلد کتاب خطی که قبلاً بریده شده می‌چسباند به طوری که میان قطعه‌های منقش و قطعه زمینه هیچ‌گونه درزی و برجستگی‌ای دیده نمی‌شود و همانند یک قطعه چرم ساده و هموار می‌نماید.

**سوزنی بوم چرمی:** نوع دیگر، جلد سوزنی بوم چرمی است که زمینه آن به تمام چرمین است و سوزن دوزی شده. طریق ساختن آن به این قرار است که جلدساز نخست چرم را رنگ می‌کند و مهره می‌زند و به قدر نیم سانتیمتر بزرگتر از اندازه قطع کتاب آن را می‌برد، سپس لبه‌های جلد را با شفره نازک می‌کند. پس از آن، با توجه به عطف کتاب، جلد را آن چنان تا می‌زند که روی رنگین و مهره زده آن اندرون جلد شود، بعد از این بر روی کاغذ طرح مورد نظر را می‌کشد به طوری که طرح منقوش بر روی کاغذ، یک چهارم طرح اصلی باشد. سپس با چهار بار برگردانیدن و برداشتن یک چهارم طرح، نگاره‌ای از آن طرح، به صورت کامل نقش می‌گیرد. پس از آن بر روی خطوط طرح مزبور سوزن می‌زند تا کاغذ مذکور صورتی مشبک گونه گیرد. سپس کاغذ مزبور را بر روی پشت چرم (که روی جلد

می‌شود) می‌چسباند و گل گیوه بر روی آن می‌مالد. با گذر گل گیوه از سوراخ‌های جای سوزن، طرح بر چرم منتقل می‌شود، بعد از این عمل، همه خطوط را سوزن دوزی می‌کند و سرانجام زمینه طرح را طوری با ابریشم رنگین سوزن دوزی می‌نماید که سر سوزن از پشت چرم بیرون نیاید و بخیه‌ها هماهنگ و مقارن باشد، بعد از این، لبه نازک را برمی‌گرداند تا حاشیه‌ای از چرم، اطراف بخیه‌ها هماهنگ و مقارن باشد، بعد از این، لبه نازک را برمی‌گرداند تا حاشیه‌ای از چرم، اطراف بخیه‌ها را بپوشاند، سپس با قلم زر کناره لبه‌ها را جدول می‌کشد و بنا به سلیقه خود درون جلد را نیز جدول‌بندی و تذهیب می‌کند.

**روغنی:** از جمله جلدهایی که بیشتر نگارش‌های فارسی، مجلد به آن است جلد روغنی است، جلدی که از سده نهم توسط جلدسازان وضع شده و رفته رفته فزونی گرفت و در سده‌های دوازدهم و سیزدهم به اوج کمال رسید. طریق ساختن این جلد به این‌گونه است که نخست مقوای چرم، چوب و یا پارچه را به اندازه قطع مورد نظر آماده می‌کردند و روی آن را از بوم و گاهی بوم مرغش (سولفور طبیعی براق) می‌پوشانید، و بر روی آن بنابر سلیقه خود، تذهیب و نقاشی می‌کردند. پس از نقاشی، چندبار روی آن روغن کمان می‌زدند، به طوری که روغن مذکور چونان قشری روی تذهیب و تصویر را فرا گیرد، در عین آن که قشر روغن به آن تابناکی و برآقی می‌دهد.

در جلد‌های روغنی عصر تیموریان بیشتر از نقوش گل و بوته و طیور و وحوش استفاده می‌شد، ولی در عصر صفویه و قاجار به‌سوی نقوش مذکور، نقوش صورت و پیکر انسان و مجالس رزم و بزم نیز به‌کار گرفته شد و گاه آیات، اخبار و اشعاری (به‌مناسبت موضوع کتاب) نیز به‌جای نقوش مزبور در جلد‌های روغنی دیده می‌شود.

در بیشتر موارد، مجلدان جلد روغنی، روی بیرون و درون هر یک طرف جلد را کار می‌کرده‌اند. در این صورت، آن را «جلد روغنی دو رو» می‌نامند. اگر در بوم جلد روغنی، مرغش استفاده شود، آن را «جلد روغنی مرغش» می‌خوانند.

**نشانه‌های خاص نسخه:** عبارت است از بیان مهرها و نشانه‌های تملک نسخه (مهر مالک، مهر وقف، مهر کتابخانه، مهر شخصی یا خصوصی).

**توضیحات:** اطلاعات دیگر از نسخه در قالب توضیح یا سایر اطلاعات (فرعی تر) در این قسمت ارائه می‌گردد.

**نفاست نسخه:** از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره داشت: «بسیار نفیس، نفیس، ممتاز، متوسط و عادی» که میزان نفاست نسخه را یادآوری نمود.

**تاریخ اهداء نسخه:** هرگاه نسخه اهدا شده باشد تاریخ اهداء به‌همراه ذکر نام شخص اهدا کننده در این قسمت می‌آید.

**تاریخ خریداری نسخه:** بیان تاریخ خرید نسخه (هرگاه معلوم باشد).

**طرز نگه داری و حفاظت نسخه:** به‌طریقه و نگه‌داری و حفاظت از نسخه در محل مربوطه اشاره می‌گردد.

**محل نگه‌داری نسخه:** نام کشور، شهر و کتابخانه محل نگه‌داری نسخه می‌باشد.

**شماره بازیابی نسخه در محل:** شماره رجوع به نسخه در محل می‌باشد.

**شماره لوح فشرده:** شماره لوح فشرده نسخه در محل است.

**شماره میکروفیلم:** شماره میکروفیلم نسخه در محل است.

**آدرس URL نسخه:** اتصال به تصاویر نسخه خطی می‌باشد.

منبع: <http://knowledgebase.icro.ir/NosakhFarsiBank/HelpNosakhKhati>

<http://www.manuscripts.ir>